

مفهوم‌شناسی علین در بازشناسی مقام حضرت عباس بن علی علیه السلام

سیدضیاءالدین علیاناسب^۱، فاطمه شوخی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹)

چکیده

حضرت عباس بن علی علیه السلام بنا بر متن زیارت‌نامه، شخصیت برجسته‌ای در علین دارند. علین ابعاد مختلفی دارد که شامل، مراتب عالی، سدره‌المنتهی، آسمان هفتم، جنت، لوح محفوظ و طینت است. رسیدن به علین راه‌هایی دارد؛ از جمله دعای معصوم، معرفت‌الله، معرفت‌النبی، معرفت اولیاءالله، معرفت قوام قسط و تصدیق آنان، شناخت شیاطین، قبول اوامر الهی، امانت‌داری، صدق لسان، وفاداری، تعظیم اهل صفوت، برابری، حیا از معصیت، حسن خلق، یتیم‌نوازی، توجه به مستمندان، احسان والدین و سخت‌نگرفتن بر زیردست که حضرت عباس علیه السلام به تمام آن راه‌ها به نحو احسن و اکمل نائل شده‌اند. برخی از مراتب علین، مختص ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از این رو در زیارت‌نامه حضرت از رفعت ذکر ایشان به جای نفس یاد شده است؛ زیرا با وجود عدم امکان ورود به آن مراتب، یاد و ذکر ایشان در آن مراتب هم رفیع است.

کلید واژه‌ها: بازشناسی، ذکر، قمر بنی‌هاشم، عباس بن علی، علین، مفهوم‌شناسی.

۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه (س)؛ z.olyanasab@hmu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه (س)؛ www.shavakhi93@ut.ac.ir

مقدمه

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین علی علیه السلام متولد چهارم شعبان سال ۲۶ هجری قمری در مدینه از ام‌البنین دختر خُزام بن خالد بن ربیعہ بن عامر بن کلاب بن ربیعہ بن عامر بن صهصعه متولد شد. ایشان در هنگام شهادت در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، ۳۴ سال سن داشتند و تمام این مدت از عمر گران‌بهای خویش را در خدمت خاندان مطهر خود بودند.

میزان اطاعت‌پذیری و بصیرت ایشان در امر دین به‌حدی بود که ستون و تکیه‌گاهی امن برای برادر و امام‌زمان خود بودند و امام‌حسین علیه السلام در هنگام شهادت ایشان فرمودند: «الآن انکسر ظهري و قلت حيلتي» (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۹۴).

زیارت‌نامه ایشان به‌سند صحیح و با معانی والا از امام صادق علیه السلام از سوی محمدبن قولویه متوفای ۳۶۹ هـ محدث بزرگ شیعه، نقل شده است و پس از ایشان نیز سایر محدثان برجسته، مانند شیخ مفید (م ۴۱۳) در کتاب مناسک المزار، شیخ طوسی (م ۳۸۵) در کتاب تهذیب الاحکام از کتب اربعه شیعه، ابن المشهدی در کتاب المزار الکبیر، فیض کاشانی در کتاب وافی، علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان نقل کرده‌اند.

یکی از فرازهای این زیارت‌نامه، عبارت «رَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَلِيَّين» است که پژوهش حاضر درصدد است، تعبیر فوق را با روش کتابخانه‌ای و به‌صورت تحلیلی توصیفی بیان و معارف والا و اسرار نهفته را در این فراز از زیارت‌نامه تحلیل کند.

درباره حضرت عباس علیه السلام بیشتر در باب ولادت و نحوه شهادت، شجاعت و دلاوری ایشان در سال ۶۱ هجری و حضور در جنگ صفین در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام پژوهش‌ها و تألیفاتی صورت گرفته؛ اما در زمینه ابعاد دیگر شخصیتی این بزرگوار، پژوهش‌های کمی صورت گرفته است؛ از این‌روی، پژوهش حاضر با بررسی مفهومی فراز «رفع ذکرک فی علیین» درصدد رسیدن به‌پاسخ این پرسش است که در بازشناسی شخصیت حضرت عباس بن علی علیه السلام چه‌نکاتی از واژگان و عبارت «رفع ذکرک فی علیین» قابل استفاده است؟



پس باید روشن شود، مقصود از «علیین» چیست؟ راه‌های وصول به مقام علیین کدام است؟ زمینه‌ها و عوامل رفعت مقام حضرت عباس بن علی علیه السلام به درجه علیین چیست؟ علت تعبیر به «ذکرک» به جای «نفسک» در فراز چیست؟

مفهوم علیین در زمینه ادبی، عرفانی، فلسفی، روایی، قرآنی و... کاربردهای متعددی دارد، ولی مفهوم‌شناسی دقیقی از این عبارت صورت نگرفته است و تنها به استفاده از آن برای کاربردهای فلسفی، مانند اخبار طینت (رضوانی و ذاکری، ۱۳۹۵)، قرآنی مانند درجه جنت (مصلاهی پور و خیوه، ۹۶)، ادبی و عرفانی (عرب بافرانی، ۱۳۹۰) و... پرداخته شده است. گفتنی است که پژوهش پیشرو، درصدد مفهوم‌شناسی از منابع حدیثی است.

درباره زیارت‌نامه حضرت عباس علیه السلام تنها دو پژوهش صورت گرفته، که در آن مفهوم‌شناسی از علیین و ارتباط آن با شخصیت والای حضرت قمرینی هاشم و تحقیق در عبارت «رفع ذکرک فی علیین» صورت نگرفته است؛ مقاله «تحلیل شخصیت ایمانی حضرت عباس علیه السلام براساس زیارت‌نامه ایشان» از محمد رنجبر حسینی و طاهره عطار در پژوهش‌نامه معارف حسینی، شماره ۶ و مقاله «فضائل قمرینی هاشم در زیارت‌نامه حضرت عباس» در نشریه پاسداران اسلام، شماره ۴۱۵ و ۴۱۶ منتشر شده است.

۱. مفهوم علیین

علیین جمع علی بر وزن فعیل، صیغه مبالغه است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۲۶۲). جست‌وجوی مفهوم علیین نشان می‌دهد، علیین تعاریف مختلفی در روایات شیعی دارد که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه علیین از شئون اهل بیت علیهم السلام است، پس تعاریف مختلف هم ظهور جلوات مختلف این انوار مقدسه است:

روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که «نَزَلَتِ الْآيَاتُ كُلَّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ إِلَى قَوْلِهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ هِيَ خَمْسُ آيَاتٍ فِي النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۴۵؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۱۱).



آیات «ان الابرار لفي عليين تا يشهده المقربون»، پنج آیه‌ای است که درباره پیامبر ﷺ، امیرالمومنین ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ نازل شده است.

۱.۱. مراتب عالیہ

مقصود از علیین براساس برخی روایت، مراتب عالیہ‌ای است که اعلی مرتبه آن مختص امامان معصوم ﷺ است و مراتب پایین‌تر از آن به نسبت درجه معرفتی بین شیعیان و مخلصین این انوار بزرگوار تقسیم می‌شود.

– «قَالَ ع لِقَائِلِ بِحَضْرَتِهِ أُسْتَعْفِرُ اللَّهَ تُكَلِّتَكَ أُمَّكَ أ تَدْرِي مَا الْإِسْتِعْفَارُ إِنَّ الْإِسْتِعْفَارَ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتِّهِ مَعَانَ أَوْلَاهَا النَّدَمَ عَلَى مَا مَضَى» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۹؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۳۶).

آیا می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار، درجه علیین است و آن اسمی است که بر شش معنا واقع شده که اولین آن پشیمانی از گذشته است.

– «ثُمَّ يَقُولُ أَنْظِرْ فَيَنْظُرُ فَيَرَى مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَيَقُولُ أَوْ تَرَاهُمْ هَؤُلَاءِ سَادَاتِكَ وَأَيْمُنُكَ هُمْ هُنَاكَ جُلَّاسُكَ وَ آنَاسُكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۱۷۷).

سپس می‌گویند بنگر، پس محمد و علی و طیبین از آل آنها را می‌بیند. پس می‌گوید آیا آنها را می‌بینی که اینان سروران و امامان تو هستند. آنان هم‌نشینان و مونسان تو هستند.

– «وَمِنْ كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ إِلَى سَوَاءِ الطَّرِيقِ، رَوَاهُ مِنْ كِتَابِ الْأَلِ لِابْنِ خَالَوَيْهِ يَرْفَعُهُ إِلَى جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنِي وَ خَلَقَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ فَعَصَرَ ذَلِكَ النُّورَ عَصْرَةً فَخَرَجَ مِنْهُ شِيعَتُنَا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحُوا وَ قَدَّسْنَا فَقَدَّسُوا وَ هَلَّلْنَا فَهَلَّلُوا وَ مَجَّدْنَا فَمَجَّدُوا وَ وَحَدَّنَا فَوَحَدُوا ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَمَكَتَ الْمَلَائِكَةُ مَائَةً عَامٍ لَا تَعْرِفُ تَسْبِيحًا وَ لَا تَقْدِيسًا فَسَبَّحْنَا فَسَبَّحَتْ شِيعَتُنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَذًا فِي الْبُؤَافِي فَنَحْنُ الْمُوَحَّدُونَ حَيْثُ لَا مُوَحَّدَ غَيْرُنَا وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا اخْتَصَّنَا وَ اخْتَصَّ شِيعَتَنَا أَنْ يُزَلِّفَنَا وَيَعْتَنَا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۱۳۱).

جابر از رسول خدا نقل می‌کند که خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را

از نور واحدی خلق کرد پس از عصاره آن شیعیان ما را خارج کرد. پس ما خداوند را تسبیح کردیم سپس آنان تسبیح کردند و ما تقدیس کردیم سپس آنان تقدیس کردند و ما تهلیل کردیم سپس آنان تهلیل کردند و ما تمجید کردیم سپس آنان تمجید کردند و ما اقرار به توحید کردیم سپس آنان اقرار کردند، پس از آن خداوند ملائکه را آفرید و آنان صدسال مکث کردند و چیزی از تسبیح و تقدیس نمی‌دانستند. پس ما تسبیح کردیم سپس شیعیان ما تسبیح کردند و پس از آن ملائکه و... پس حقیقتی است بر خدا همان‌گونه که ما و شیعیانمان را مختص گردانید که ما را در اعلی‌علیین ببیند و از ما مراقبت کند.

«عَنْ جَعْفَرِ ع قَالَ: نَزَلَتْ الْآيَاتُ كُلَّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ إِلَى قَوْلِهِ الْمُقْرَبُونَ وَ هِيَ خَمْسُ آيَاتٍ فِي النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۴۵).

امام جعفر صادق علیه السلام: آیات ان الابرار لفي عليين تا يشهده المقربون، پنج آیه‌ای است که درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نازل شده است.

«التَّسْنِيمَ فَإِنَّهَا تَسِيلُ إِلَى عِلِّيِّينَ فَيَشْرَبُ مِنْهَا خَاصَّةً أَهْلَ الْجَنَّةِ وَ هُمْ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَ أَحِبَّاءُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵: ۱۲۸).

تسنیم چیزی است به‌سوی علیین جاری می‌شود، پس خواص اهل بهشت که شیعیان علی و محبین او هستند از آن می‌خورند.

۱,۲. آسمان هفتم

گفته می‌شود که علیین در آسمان هفتم یا بالای آن و زیر عرش اعلی خداوند قرار دارد. «عَنْ النَّبِيِّ ص قَالَ فِي عِلِّيِّينَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ تَحْتَ الْعَرْشِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۵۱). پیامبر صلی الله علیه و آله: علیین در آسمان هفتم زیر عرش خداوند قرار دارد. «وَ عَنْ قَتَادَةَ كُلَّهَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ قَالَ عِلِّيُّونَ فَوْقَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ عِنْدَ قَائِمَةِ الْعَرْشِ الْيُمْنَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۵۳).

قتاده: علیین در بالای آسمان هفتم نزد قائمه عرش یمنی قرار دارد.



۱,۳. سدره المنتهی

براساس برخی نقل‌ها، علین سدره المنتهی است که در روایات آمده است.

«عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى فِي حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ قَالَ: فَخَرَجْتُ مِنْ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى حَتَّى وَصَلْتُ إِلَى حِجَابٍ مِنْ حُجُبِ الْعِزَّةِ ثُمَّ إِلَى حِجَابٍ آخَرَ حَتَّى قَطَعْتُ سَبْعِينَ حِجَابًا وَأَنَا عَلَى الْبُرَاقِ وَبَيْنَ كُلِّ حِجَابٍ وَحِجَابٍ مَسِيرَةٌ خَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ إِلَى أَنْ قَالَ وَرَأَيْتُ فِي عَلِيِّ بْنِ بَحَارًا وَانْوَارًا وَحُجُبًا وَغَيْرَهَا لَوْ لَا تِلْكَ لَأَحْتَرَقَ كُلُّ مَا تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ نُورِ الْعَرْشِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۴۴-۴۵).

پیامبر ﷺ در حدیث معراج: پس خارج شدم از سدره‌المنتهی تا رسیدم به‌حجابی از حجاب‌های عزت... تا اینکه از هفتاد حجاب گذشتم که بین هر حجاب با دیگری پانصد سال فاصله است... و در علین دریاها و انوار و حجاب‌ها و... را دیدم که اگر آن نبود هرچه در زیر عرش است از نور آن می‌سوخت.

۱,۴. طینت

براساس اقوال بسیار زیادی، علین طینتی است که سرشت آل الله و شیعیان آنان از آن گرفته شده است؛ بدین‌گونه که جسم اهل‌بیت از قسمت عالی علین و روح شیعیان از قسمت پایین‌تر آن، روح اهل‌بیت از اعلی‌علین (فراتر از علین) و جسم شیعیان از دون آن (فروتر از علین) سرشته شده است؛ بنابراین بین جسم اهل‌بیت و روح شیعیان ارتباط زیاد و الفتی وجود دارد.

روایات طینت، بسیار زیاد است که تنها برای نمونه به‌برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم، آنها عبارت‌اند از:

– «أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِيِّ بْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ وَ خَلَقَ أُبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۴۳؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۱۳۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۲).

امام باقر علیه السلام: همانا خداوند ما را از اعلی‌علین آفرید و قلوب شیعیانمان را از آنچه ما را آفرید و بدن‌هایشان را از پایین‌تر از آن.

- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ أَرْوَاحَنَا مِنْ فَوْقِ ذَلِكَ وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شِيعَتِنَا مِنْ عَلِيِّينَ وَ خَلَقَ أَجْسَادَهُمْ مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ الْقَرَابَةُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ تَحِنُّ إِلَيْنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۴۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۸۹)

امام صادق علیه السلام: خداوند ما را از علیین آفرید و ارواح ما را از بالای آن و ارواح شیعیانمان را از علیین و اجسامشان را از پایین تر از آن. پس از این جهت است قرابت بین ما و آنان و اینکه قلوبشان به ما متمایل است.

۱.۵. لوح محفوظ

بنابر برخی از اقوال، علیین لوح محفوظی است که اعمال محبین اهل بیت علیهم السلام در آن نوشته می‌شود و مرقوم به حب محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است.

- «بْنِ عَثْمَانَ الْخَزَّازِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيَّ يَقُولُ كَلَّمَا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَعَلِّي عَلِيِّينَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ كِتَابٌ مَرْقُومٌ بِالْخَيْرِ مَرْقُومٌ بِحُبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ع» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۳۰۵).

.... علیین کتابی مرقوم به خیر است که آن حب محمد و آل محمد است.

۱.۶. جایگاه علیین: جنت

بر اساس اخبار بسیاری، علیین محل سکونت اهل بیت و شیعیان است و از این معانی استفاده می‌شود که علیین همان جنت است؛ زیرا جز اولیاء الله و انصار و اعوانشان کسی داخل بهشت نمی‌شود.

- «إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلِيٍّ سَبْعَ خِصَالٍ... وَ أَوَّلُ مَنْ يُفْرَعُ مَعِيَ بَابَ الْجَنَّةِ وَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ عَلِيُّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۳۳۹؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۳۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند در علی هفت ویژگی را به من عطا کرد... اولین کسی است که با من درب بهشت را می‌زند و اولین کسی است که با من در علیین ساکن می‌شود.

- «فَلَا يَرَالُ يَرْفَعُ أَقْدَارَ مُجِيبِي عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي الْعَطَايَا وَ الْمَوَاهِبِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمُقَصَّرَ مِنْ شِيعَتِهِ لَيَتَمَنَّىٰ فِي أُمَّنَّتِهِ مِثْلَ جَمِيعِ الدُّنْيَا مُنْذُ يَوْمَ خَلَقَهَا اللَّهُ إِلَيَّ يَوْمَ أَفْنَاهَا



فَيَقُولُ لَهُمْ رَبُّهُمْ لَقَدْ قَصَّرْتُمْ فِي أَمَانِيِّكُمْ وَ رَضِيْتُمْ بِدُونِ مَا يَحِقُّ لَكُمْ فَانظُرُوا إِلَىٰ مَوَاهِبِ رَبِّكُمْ فَإِذَا بِقُبَابٍ وَ قُصُورٍ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ مِنَ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَ الْأَخْضَرِ وَ الْأَصْفَرِ وَ الْأَبْيَضِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۱۵۳؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۲۱۴)

پیامبر ﷺ: او همچنان ارزش‌های محبین علی بن ابی طالب را در عطایا و مواهب بالا می‌برد تا اینکه غافلان از شیعیان او آرزو می‌کند چیزی مانند همه دنیا از روزی که خداوند آن را آفرید تا روزی که نابود شد. سپس خداوند به آنها می‌گوید در آرزویتان کوتاهی کردید و به کمتر از آنچه استحقاقش را داشتید راضی شدید. پس به مواهب پروردگارتان بنگرید و در این هنگام گنبدها و قصرهایی از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید را در اعلی‌علیین می‌بینند.

– «أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ! فَإِنَّ مَنَزِلَكَ فِي الْجَنَّةِ مُوَاجِهَ مَنَزِلِي، وَ أَنْتَ مَعِيَ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَىٰ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَا أَعْلَىٰ عِلِّيُّونَ؟. فَقَالَ: قُبَّةٌ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مِصْرَاعٍ مَسْكَنٌ لِي وَ لَكَ يَا عَلِيُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۴۴۱).

پیامبر ﷺ: بشارت باد بر تو یا علی! پس همانا منزل تو در بهشت مقابل منزل من است و تو در اعلی‌علیین رفیق من هستی. پس امیرالمومنین گفت: یا رسول الله اعلی‌علیین چیست؟ پس گفت: قبه‌ای از مروارید سفید که در آن هفتاد هزار مسکن برای تو و من هست.

– «وَ أَنَا أَوْلُ مَنْ يَسْكُنُ عِلِّيِّينَ وَ عَلِيُّ مَعِيَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹: ۲۳۰).

پیامبر ﷺ: من اولین کسی هستم که در علیین ساکن می‌شوم و علی همراه من است.
– «يَا عَلِيُّ! إِنَّ شِيعَتَكَ لَيُؤَذَّنُ لَهُمْ عَلَيْكُمْ فِي الدُّخُولِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ إِنَّهُمْ لَيَنْظُرُونَ إِلَيْكُمْ مِنْ مَنَازِلِهِمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَمَا يَنْظُرُ أَهْلُ الدُّنْيَا إِلَى النَّجْمِ فِي السَّمَاءِ وَ إِنَّكُمْ لَعَلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي عُرْفِهِ لَيْسَ فَوْقَهَا دَرَجَةٌ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ مَا يُلْقِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰: ۶۳؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۳۵۱).

پیامبر ﷺ: یا علی همانا به شیعیان تو در هر جمعه اذن دخول داده می‌شود و آنان از منازلشان روز جمعه به شما می‌نگرند همان‌گونه که اهل دنیا به ستارگان آسمان می‌نگرند و همانا شما در اعلی‌علیین در غرفه‌ای هستید که بالاتر از آن درجه احدی از خلق نیست و خدا کسی غیر از شما را ملاقات نمی‌کند.

۲. راه‌های وصول به‌علیین چیست؟

۲,۱. دعای معصوم

برای رسیدن به‌علیین راه‌های وجود دارد که یکی از آنها دعای معصوم در حق افراد است؛

در زیارت‌نامه حضرت اباعبدالله علیه السلام درباره اصحاب با وفای ایشان می‌خوانیم:

«حَسْرَتَنَا اللَّهُ مَعَكُمْ فِي الْمُسْتَشْهِدِينَ وَ رَزَقَنَا مُرَافَقَتَكُمْ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ» (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۴۵: ۷۰).

خداوند ما را در مستشهدین با شما محشور کند و همنشینی با شما را در اعلی‌علیین روزی ما فرماید.

در دیگر اخبار به‌راه‌های دیگری برای وصول به‌علیین از کلام امام صادق علیه السلام می‌رسیم؛

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ افْتَرَضْتُ عَلَى عِبَادِي عَشْرَةَ فَرَائِضَ إِذَا

عَرَفُوهَا أَسْكَنْتَهُمْ مَلَكُوتِي وَ أَبْحَثْتَهُمْ جَنَانِي.....».

خداوند می‌فرماید: بر بندگانم ده فریضه را واجب کردم، زمانی که آن را بشناسند

در ملکوتم ساکنشان می‌کنم....

۲,۲. معرفت خداوند

«أَوْلَاهَا مَعْرِفَتِي»، معرفت خداوند که در ادبیات دینی از آن به توحید تعبیر می‌شود در

همه انواع توحید خالق‌ی و ربوبی و تشریحی و... در پذیرش و قبولی همه اعمال و

مراتب یقین اولین شرط است.

۲,۳. معرفت پیامبر

«وَ الثَّانِيَةُ مَعْرِفَةُ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَ الْإِقْرَارُ بِهِ وَ التَّصْدِيقُ لَهُ»، معرفت پیامبر خدا و

اقرار به‌نبوت ایشان و تصدیق آن، شرط بعدی برای وصول به‌علیین است که بی‌گمان

این اقرار، صرفاً زبانی نبوده و باید در تمام مراتب اعمال نیز نمود و شهود داشته باشد.

۲,۴. معرفت اولیاء خدا

«وَ النَّالِئَةُ مَعْرِفَةُ أَوْلِيَائِي وَ أَنَّهُمُ الْحُجَجُ عَلَيَّ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانِي وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي وَ هُمْ الْعَلَمُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَصْلَبَتْهُ نَارِي وَ ضَاعَتْ عَلَيْهِ عَذَابِي»، معرفت اولیاء الله یا همان امامت که خط ظریف و مقسم قوی در پذیرش اعمال و وصول به علین است و بدون آن نه تنها وصول غیرممکن، بلکه موجب هلاکت و وصول به اسفل السافلین است.

۲,۵. معرفت برپاکندگان عدل الهی

«وَ الرَّابِعَةُ مَعْرِفَةُ الْأَشْخَاصِ الَّذِينَ أَقِيمُوا مِنْ ضِيَاءِ قُدْسِي وَ هُمْ قَوْمٌ قِسْطِي».

۲,۶. معرفت قوام به وسیله فضائل آنها و تصدیق آن بزرگواران

«وَ الْخَامِسَةُ مَعْرِفَةُ الْقَوْمِ بِفَضْلِهِمْ وَ التَّصْدِيقُ لَهُمْ»، برخی از اولیاء الله که از آنان به قوام تعبیر می شود (چراکه به تقویت دین خدا منجر می شوند)، از فضائل و کرامات آنان شناخته می شوند که برای تشخیص آن و تمیز حق از باطل، باید چشمانی تیزبین و قلبی بدون آرایش و روحی با بصیرت داشت و پس از آن به تصدیق آن بزرگواران اقدام نمود.

۲,۷. شناخت شیاطین و عدو الله

«وَ السَّادِسَةُ مَعْرِفَةُ عَدُوِّي إِبْلِيسَ وَ مَا كَانَ مِنْ ذَاتِهِ وَ أَعْوَانِهِ»، قطعاً معرفت حالت دوسویه دارد و همان گونه که باید به جبهه حق، معرفت و بصیرت داشت، نسبت به جبهه باطل نیز باید دارای شناخت و بصیرت بود تا مبادا با حيله‌های جبهه طاغوت و شیاطین از مسیر حق منحرف شد.

۲,۸. قبول اوامر الهی

«وَ السَّابِعَةُ قَبُولُ أَمْرِي وَ التَّصْدِيقُ لِرُسُلِي»، قبول اوامر الهی که در راستای تسلیم شدن در برابر انبیا و اولیاء که حجت خداوند بر مردم هستند اتفاق می افتد، شرط دیگری در وصول علین است.



۲،۹. حسن امانتداری

«وَالْتَّامِنَةُ كَيْمَانُ سِرِّي وَ سِرٌّ أَوْلِيَائِي»، حسن تقیه و کتمان اسرار الهی از نامحرمان و حسن امانتداری که به حفظ ودایع الهی و دورماندن آن از خطرات جبهه باطل منجر می‌شود از لوازم حفظ دین و متعاقباً وصول به‌علیین است.

- توصیه امام عسگری به‌احدین اسحاق درباره امام عصر: «يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَ اكْتُمْهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ غَدًا فِي عَلِيِّينَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۳۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۲۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۴۰؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۵۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۹۶).

این امری از اوامر خداست و سری از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های او، پس آنچه به‌تو داده شده را بگیر و پنهان کن و از شاکرین باش تا فردا در علیین باشی.

- علامه در بحار حدیثی را نقل می‌کنند از مردی که به‌اجبار بر ولایت ابوبکر تقیه کرده و ایمانش را از دشمن مخفی می‌کند؛ ولی در یقین و دل بر ولایت امیرالمؤمنین مصر است و حال خود را از امام هادی علیه السلام می‌پرسد و امام می‌فرماید: «خَيْرُ حَالٍ قَدًا أَوْجَبَ اللَّهُ لَكَ مُرَافَقَتَنَا فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ لِحُسْنِ يَقِينِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۴۰۶).

حال خوبی است؛ خداوند همنشینی ما را در اعلی علیین به‌سبب حسن یقینت روزی تو کند.

۲،۱۰. تعظیم اهل صفوت

«وَالتَّاسِعَةُ تَعْظِيمُ أَهْلِ صَفْوَتِي وَ الْقَبُولُ عَنْهُمْ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ حَتَّى يَخْرُجَ الشَّرْحُ مِنْهُمْ»، بزرگداشت و تکریم اهل صفوت که همان خاندان عصمت و طهارت‌اند، همان‌گونه که در زیارت شریف جامعه کبیره می‌خوانیم (و صفوت المرسلین) و پذیرش بی چون‌وچرا و اطاعت محض از آنان و ارائه اختلافات به‌آنان تا آنکه از جانب آن بزرگواران شرحی برای آن اختلافات ارائه شود؛ همان‌گونه که در قرآن در آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» ای کسانی که ایمان

آوردید خداوند و رسولش و اولی الامر را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا و رسولش ارجاع دهید.

۲،۱۱. برابری و عدم فخر فروشی

«وَالْعَاشِرَةُ أَنْ يَكُونَ هُوَ وَأَخُوهُ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا شَرَعًا سَوَاءً»، باید شخص خودش و برادران دینی‌اش را در دین و دنیا یکسان بداند و از نژاد پرستی و فخر فروشی به دور باشد.

«فَإِذَا كَانُوا كَذَلِكَ أَذْخَلْتَهُمْ مَلَكَوتِي وَآمَنْتَهُمْ مِنَ الْفِرْعَ الْأَكْبَرِ وَكَانُوا عِنْدِي فِي عَلَيِّينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۱۳). پس زمانی که چنین بودند در ملکوتم داخلشان می‌کنم و از فرج اکبر ایمنشان می‌دارم و در نزد من در علیین خواهند بود.

از روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام وارد شده است به صفات دیگر اهل علیین اشاره شده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِسْلَامُهُ وَأَعِينَتْ عَلَى إِيْمَانِهِ وَ مُحَصَّنَتْ ذُنُوبَهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَ لَوْ كَانَ فِيمَا بَيْنَ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ذُنُوبٌ حَطَّهَا اللَّهُ عَنْهُ».

چهار صفت است که اگر در کسی باشد، اسلامش کامل می‌شود و بر ایمانش یاری‌اش می‌کند و پروردگارش را ملاقات می‌کند در حالی که او راضی است و خداوند حتی اگر بین سر و پاهایش گناه باشد، آن‌ها را ناپود می‌کند.

۲،۱۲. وفاداری

«وَهِيَ الْوَفَاءُ بِمَا يَجْعَلُ لِلَّهِ عَلَى نَفْسِهِ».

۲،۱۳. صدق لسان

«وَصِدْقُ اللِّسَانِ مَعَ النَّاسِ».

۲،۱۴. حیا از معصیت

«وَالْحَيَاءُ مِمَّا يَقْبَحُ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ».



۲,۱۵. حسن خلق

«وَحُسْنُ الْخُلُقِ مَعَ الْأَهْلِ وَالنَّاسِ».
«وَأَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي عُرْفٍ فَوْقَ عُرْفٍ فِي مَحَلِّ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ».

و چهار ویژگی است که اگر در مؤمنین باشد خداوند او را در علیین در غرفه‌های بالای دیگر غرفه‌ها در محلی شریف ساکن می‌کند.

۲,۱۶. یتیم‌نوازی

«مَنْ أَوْىٰ الْيَتِيمَ وَنَظَرَ لَهُ فَكَانَ لَهُ أَبًا».

۲,۱۷. توجه به مستمندان

«وَمَنْ رَحِمَ الضَّعِيفَ وَأَعَانَهُ وَكَفَاهُ».

۲,۱۸. احسان والدین

«مَنْ أَنْفَقَ عَلَىٰ وَالِدَيْهِ وَرَفَّقَ بِهِمَا وَبَرَّهُمَا وَ لَمْ يَحْزَنْهُمَا».

۲,۱۹. سخت‌نگرفتن بر زبردست

«وَمَنْ لَمْ يَخْرِقْ بِمَمْلُوكِهِ وَأَعَانَهُ عَلَىٰ مَا يُكَلِّفُهُ وَ لَمْ يَسْتَسْعِهِ فِيمَا لَمْ يُطِيقْ» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶: ۳۸۰).

۲,۲۰. زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و معرفت به حق او

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ ع عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَىٰ لَهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۸۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۴۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۵۸۱).

علت رفعت مقام حضرت عباس بن علی علیه السلام در علیین

حضرت قمرالعشیره علیه السلام به نحو اتم و اکمل به تمام راه‌های علیین رسیده و آن را

به‌نهایت رسانیده‌اند (شهید انک قد بالغت...). همان‌گونه که به‌استشهاد امام معصوم، یعنی امام صادق علیه السلام در زیارت‌نامه حضرت عباس علیه السلام و همچنین گزارش‌های هرچند اندک از زندگی پربار ایشان شاهد آن هستیم؛ زیرا در متن زیارت‌نامه تصریح شده که ایشان دارای مقامی بلند در علیین هستند، پس نه‌تنها تمام ویژگی‌های مندرج در قسمت قبل را دارند، بلکه برخی از ویژگی‌های دیگر را نیز دارند که از متن زیارت‌نامه و برخی از نقل‌های تاریخی زندگی‌نامه ایشان به‌دست می‌آید.

این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. تسلیم «شهید لک بالتسلیم». (کامل الزیارات، ص ۲۵۷، زیارت‌نامه حضرت عباس بن علی علیه‌السلام)؛
۲. تصدیق «و التصدیق» (همان)؛
۳. وفاداری «والوفاء» (همان)؛
۴. خیرخواهی برای اباعبدالله علیه‌السلام «والنصیحه لخلف النبی صلی الله علیه وآله» (همان)؛
۵. دعای معصوم در حق او «فجزاک الله عن رسوله و عن امیرالمومنین و عن الحسن و الحسین صلوات الله علیهم افضل الجزاء» (همان)؛
۶. صبوری بر مقدرات الهی «صبرت» (همان)؛
۷. یاری معصوم «اعنت» (همان)؛
۸. شهادت در حالت مظلومیت «قتلت مظلوما» (همان)؛
۹. مطیع امام معصوم: «المطیع لله و لرسوله و لامیرالمومنین و الحسن و الحسین» (همان). اطاعت حضرت از امام زمان خود در سراسر زندگی‌شان به‌چشم می‌خورد. در زمان امیرالمومنین علیه السلام و در جنگ صفین (العباس، ۱۵۳: ۱۴۲۷). دوشادوش مالک و در سپاه امیرالمومنین علیه السلام جنگ‌نمایی کرده و ابوشعثای و پسرانش را که قهرمانان نامی عرب بودند به‌درک واصل نمود، در زمان امام حسن علیه السلام و چالش‌های سخت زمان ایشان و در جریان صلح که عده زیادی از یاران امام از دور او متواری شدند، همواره موضعی موافق با امام زمانش داشت (هادی منش، ۱۳۸۳: ۱۸). در زمان امام حسین علیه السلام نیز، همواره

مطیع امام بودند و اگر از جانب امام فرمان جنگ بود، اطاعت می‌کردند؛ اگر فرمان علمداری بود، اطاعت می‌کردند؛ اگر فرمان آبرسانی بود، اطاعت می‌کردند. حتی در ماجرای شهادت ایشان هم ملاحظه می‌کنیم که فرمان امام خود را مبنی بر آبرسانی تا انتها به انجام رساندند و هیچ چیز حتی قطع دو دست ایشان را متوقف نکرد که از حرکت بایستند و تنها زمانی متوقف شدند که تیر بر مشک فرود آمد و در اینجا حالت تحیر بر حضرت مستولی گشت؛ چرا که نمی‌دانند حال که آب فرو ریخته و مشک و دستی هم برای بازگشت آب آوری مجدد ندارند چه باید بکنند؟ در جریان آوردن امان‌نامه از جانب شمر برای ایشان هم کلمه‌ای جواب او را ندادند تا جایی که اباعبدالله به ایشان فرمان پاسخ‌دهی دادند و پاسخی درخور را نثار آن ملعون کردند. به‌حق، ایشان در تک‌تک لحظات زندگی شریفشان اطاعت محض از ولی معصوم را به‌حد اعلی آن، به‌جا آوردند.

۱۰. اکمال یاری اولیاءالله «المبالغون فی نصرت اولیائه» (همان)؛

۱۱. عدم سستی در دین «لم تهن» (همان)؛

۱۲. بصیر در تکالیف «انک مضیت علی بصیره من امرک» (همان)؛

۱۳. مواسات: مواسات به سه معنای، حزن، درمان جراحت و مساوی کردن دو چیز است که در روایات معنای سوم، یعنی همراهی با دیگری در قلب و زبان و عمل مدنظر است (احتشامی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۵۷). حضرت عباس علیه السلام به‌استشهاد امام صادق علیه السلام دارای مواسات زیاد با اولیاءالله بودند؛ «و الاخ المواسی» به‌گونه‌ای که مانند برادر مظلومشان غم برادر دیدند و پیش از خود سه‌برادر دیگرشان شهید شدند، مانند برادر با لب تشنه جنگیدند، مانند پدر بزرگوارشان ضربه عدو بر سرشان از پشت سر فرود آمد، مانند بانوی دو عالم از ناحیه بازو آسیب دیدند، در نهایت با یاد برادر امامشان از خوردن آب صرف نظر کرده و با لب تشنه شهید شدند.

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، برخی از مراتب علیین که به‌اعلی‌علیین تعبیرشده،



مختص وجود مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام است و دیگران هرچند بسیار والامقام، راهی به آن ندارند. باوجود این، مقام حضرت قمرالعشیره عباس بن علی علیه السلام به گونه ای است که ذکر و یاد ایشان در آن مراتب هم دارای رفعت است و از آنجا که {ذکر} از {نفس} عمومیت دارد، لذا از تعبیر {ذکر} استفاده شده است.

نتیجه

۱. در چستی علیین، تعبیر مختلفی از روایات به دست می آید؛ از جمله مراتب عالیه، سدره المنتهی، آسمان هفتم، جنت، لوح محفوظ و طینت؛
۲. راه های وصول به علیین که از روایات به دست آوردیم؛ شامل دعای معصوم، معرفت الله، معرفت النبی، معرفت اولیاء الله، معرفت قوام قسط و تصدیق آنان، شناخت شیاطین، قبول اوامر الهی، امانتداری، صدق لسان، وفاداری، تعظیم اهل صفوت، برابری، حیاء از معصیت، حسن خلق، یتیم نوازی، توجه به مستمندان، احسان والدین، سخت نگرفتن بر زیر دست؛
۳. حضرت عباس علیه السلام نه تنها به مقام علیین رسیدند، بلکه مقامی رفیع در تمام مراتب علیین دارند و این به دلیل ویژگی های منحصر به فرد و ممتاز این بزرگوار است که شامل تسلیم، تصدیق، وفاداری، یاری معصوم، شهادت مظلومانه، اطاعت محض امام معصوم، اکمال یاری اولیاء الله، سستی نکردن در دین، بصیر در تکالیف و مواسات کامل؛
۴. برخی از مراتب علیین، مختص وجود ائمه معصومین علیهم السلام است و حضرت عباس علیه السلام با اینکه شخصا نمی توانند وارد آن مراتب شوند باوجود این، یاد و ذکر ایشان در آن مراتب هم دارای رفعت و بلندی است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی دآوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، دارالشریف الرضی للنشر.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر (لابن مشهدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابومخنف، لوط بن یحیی ازدی (۱۳۸۰)، مقتل الحسین، ترجمه جواد سلیمانی، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مرکز انتشارات.
- احتشامی نیا، محسن (۱۳۹۶)، «جلوه‌های مواسات در سیره علمدار کربلا»، شماره ۶، ص ۱۳۹-۱۶۰.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشم.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی، سید جواد (۱۳۹۵)، «فضائل قمر بنی هاشم در زیارت نامه حضرت عباس»، نشریه پاسداران اسلام، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۲۲-۲۵.
- رضوانی، معصومه و مهدی ذاکری (۱۳۹۵)، «روایات طینت و اختیار انسان»، شماره ۶۹، ص ۴۷-۷۳.
- رنجبر حسینی، محمد و طاهره عطار (۱۳۹۶)، «تحلیل شخصیت ایمانی حضرت عباس علیه السلام بر اساس زیارت نامه ایشان»، نشریه پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۶، ص ۴۱-۶۲.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، صالح صبحی، قم، هجرت.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، سلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی (للطوسی)، مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه.
- عرب بافرانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «نقد بلاغی داستان زال و رودابه شاهنامه فردوسی و داستان جمشید و دختر شاه زابل گرشاسب نامه اسدی»، شماره ۱۶، ص ۱۴۵-۱۶۸.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی.
- فیض کاشانی، محمد حسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیرالقمی، طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات کوفی، محمد کاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مصلاهی پور یزدی، عباس و فاطمه خیوه (۱۳۹۶)، «مفهوم شناسی جنت در قرآن»، شماره ۴۸، ص ۶۷-۷۷.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی (للمفید)، حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۲۷ه ق)، العباس عليه السلام، محقق محمدحسون، قم، الاجتهاد.

